

---

## اصول قرآنی حاکم بر روابط خارجی در فرمایشات مقام معظم رهبری با تکیه بر بیانیه گام دوم

---

علی سلحشور<sup>۱</sup> (نویسندهٔ مسئول) - مهوش پوررحمانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از بارزترین نتایج انقلاب، تحول در عرصه سیاسی و روابط خارجی است. سیاست خارجی به معنای روش دولت‌ها در برخورد با مسائل خارجی برای تأمین منافع و حفظ موجودیت کشور است. مقام معظم رهبری به عنوان سران انقلاب - از سال ۶۸ تاکنون - به بیان بایدها و نبایدهای روابط خارجی و سیاست کلی نظام در این خصوص پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی مستقل ارائه داده‌اند. در بیانیهٔ گام دوم نیز خطوط کلی حرکت و اهداف و مقاصد را ترسیم نموده‌اند. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم به روش کتابخانه‌ای است. در این نوشتار اصول روابط خارجی مانند مقابله با استعمار و

---

۱- استادیار دانشگاه کردستان - a.salahshoor@uok.ac.ir

۲- طلبه سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی الزهراء قروه  
poorrahmani86@gmail.com

استبداد، حمایت از مظلومان، هوشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان و مقابله با آنان و حفظ استقلال در بیانات مقام معظم رهبری بررسی شده و مبانی قرآنی آن مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیانات مقام معظم رهبری در تبیین چگونگی روابط خارجی منطبق و برآمده از آیات قرآن کریم است.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، بیانیه گام دوم، انقلاب، دشمن، سیاست خارجی، استقلال

## مقدمه

مقام معظم رهبری به عنوان ارائه‌دهنده نظریه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اسلام ناب محمدی و هم در مقام تعیین سیاست‌های کلی نظام اسلامی و به عنوان احیاگر عملی قرآن و سنت نبوی، جایگاه خاصی در جهان معاصر دارد؛ چراکه اندیشه سیاسی و منش اخلاقی و اجتماعی معظم له و دیدگاه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی ایشان در همه ابعاد نقشه راه مسلمانان بوده است. به همین دلیل شناخت دیدگاه‌های ایشان می‌تواند در روشن نمودن راه مستقیم یاری‌رسان باشد؛ ایشان به عنوان سکان‌دار انقلاب -از سال ۶۸ تاکنون- به بیان روابط خارجی و سیاست کلی نظام به صورت سلبی و ایجابی پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری جوامع برای دستیابی به منافع خود در سطح بین‌الملل باید علاوه بر پایبندی به ارزش‌های اسلامی از استقلال خود دفاع کنند و خواستار عزتمندی جامعه باشند و در مراودات خود بر اساس حکمت و مصلحت عمل کنند. همچنین در تعاملات خود با دولت‌های دیگر اصل را بر برابری و برادری قرار دهد و از محرومان دفاع کنند و در مقابل مستکبران و حکام مستبد ایستادگی کنند.

مقام معظم رهبری علاوه بر سال‌های طولانی زعامت امت اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب که به عنوان یک سند ارزشمند و نقشه راه در اختیار مردم و مسوولان کشور قرار گرفته است نیز به اصول سیاست خارجی، حدود و چگونگی روابط بین‌الملل اشاراتی نموده‌اند.

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اصول روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم با کمک منابع کتابخانه‌ای است.

درباره پیشینه تحقیق - مطابق بررسی نگارندگان - صرفاً کتاب‌هایی در خصوص سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته شده است مانند کتاب سیاست خارجی اثر امیر سیاه‌پوش که به مبانی، اهداف، اصول و الزامات سیاست خارجی در پنج

بخش پرداخته است و کتاب راهبردهای سیاست خارجی حاوی نکات مهم و برگزیده از بیانات مقام معظم رهبری در موضوع راهبردهای سیاست خارجی در جمع سفرا و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در طول سال‌های مسئولیت ریاست جمهوری و همچنین دوران رهبری انقلاب اسلامی می‌باشد که توسط انتشارات اسلامی تدوین گردیده است.

مقام معظم رهبری به‌عنوان ارائه‌دهنده نظریه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اسلام ناب محمدی و هم در مقام تعیین سیاست‌های کلی نظام اسلامی و به‌عنوان احیاگر عملی قرآن و سنت نبوی، جایگاه خاصی در جهان معاصر دارد؛ چراکه اندیشه سیاسی و منش اخلاقی و اجتماعی معظم له و دیدگاه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی ایشان در همه ابعاد نقشه راه مسلمانان بوده است. به همین دلیل شناخت دیدگاه‌های ایشان می‌تواند در روشن نمودن راه مستقیم یاری‌رسان باشد؛ ایشان به‌عنوان سکان‌دار انقلاب -از سال ۶۸ تاکنون- به بیان روابط خارجی و سیاست کلی نظام به صورت سلبی و ایجابی پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری جوامع برای دستیابی به منافع خود در سطح بین‌الملل باید علاوه بر پایبندی به ارزش‌های اسلامی از استقلال خود دفاع کنند و خواستار عزتمندی جامعه باشند و در مرادوات خود بر اساس حکمت و مصلحت عمل کنند. همچنین در تعاملات خود با دولت‌های دیگر اصل را بر برابری و برادری قرار دهد و از محرومان دفاع کنند و در مقابل مستکبران و حکام مستبد ایستادگی کنند.

مقام معظم رهبری علاوه بر سال‌های طولانی زعامت امت اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب که به‌عنوان یک سند ارزشمند و نقشه راه در اختیار مردم و مسوولان کشور قرار گرفته است نیز به اصول سیاست خارجی، حدود و چگونگی روابط بین‌الملل اشاراتی نموده‌اند.

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اصول روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام

معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم با کمک منابع کتابخانه‌ای است. درباره پیشینه تحقیق - مطابق بررسی نگارندگان - صرفاً کتاب‌هایی در خصوص سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته شده است مانند کتاب سیاست خارجی اثر امیر سیاه‌پوش که به مبانی، اهداف، اصول و الزامات سیاست خارجی در پنج بخش پرداخته است و کتاب راهبردهای سیاست خارجی حاوی نکات مهم و برگزیده از بیانات مقام معظم رهبری در موضوع راهبردهای سیاست خارجی در جمع سفرا و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در طول سال‌های مسئولیت ریاست جمهوری و همچنین دوران رهبری انقلاب اسلامی می‌باشد که توسط انتشارات اسلامی تدوین گردیده است.

در همه‌ی این پژوهش‌ها فقط به جمع‌آوری بیانات مقام معظم رهبری اکتفا گردیده است لذا امتیاز و تفاوت این پژوهش نسبت به کارهای دیگری که در این زمینه انجام گرفته است این است که صرف‌نظر از جمع‌آوری بیانات مقام معظم رهبری در خصوص سیاست خارجی، به ذکر و تحلیل مبانی قرآنی بیانات ایشان پرداخته است تا از این رهگذر ثابت نماید که مواضع و بیانات ایشان تبلور تعالیم قرآن کریم و برگرفته از آیات الهی است.

## مفهوم شناسی

### ۱- انقلاب

از نظر لغوی، انقلاب که معادل کلمه لاتین «Revolution» است، واژه‌ای عربی و مصدر باب انفعال است که از ریشه «قلب» گرفته شده است و به معنای زیر و رو و دگرگون کردن است (معلوف، ۱۳۸۵: ۱۶۳۷). راغب اصفهانی آن را در معنای دگرگون کردن و گردانیدن چیزی از حالی به حال دیگر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۵۳۱/۲) در اصطلاح واژه انقلاب در مطالعات گوناگون، از معنای اصطلاحی خاصی برخوردار است. از نظر فلسفی در معنای تبدیل صورتی به صورت دیگر یا همان کون و فساد است و از

نظر جامعه‌شناسی تغییری ریشه‌ای و عمیق در جامعه و ساخت‌های اجتماعی است که دارای سه ویژگی ارادی بودن، حرکت در مسیر تقدس و تعالی و نهایتاً دخالت داشتن عنصر نفی و انکار است. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰). از نگاه سیاسی و تاریخی نیز به معنای تغییر نهاد سیاسی، نظام و سمبل‌های حاکمیت است. مقام معظم رهبری در تعریف انقلاب می‌فرماید: «انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحوّل اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن‌ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه‌ی ابعاد انسان‌ها می‌آید. همان‌طور که در آیه قرآن است «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد (۱۳)، آیه ۱۱) هر وقت انسان‌ها خصلت‌های بد، ضعف‌ها، نقص‌ها و بی‌ایمانی‌ها را در خودشان تغییر دادند، اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ چیز هم جلوگیری آن نخواهد بود. برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان‌ها باید احساس تکلیف کنند.» (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۳/۷)

## ۲- دشمن

این کلمه مرکب است از «دش» به معنی بد و زشت؛ و «من» به معنی نفس و ذات؛ بنابراین به صورت مرکب می‌شود: زشت‌خوی و زشت‌ذات (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۴۰۳/۵). این واژه در معنای مفرد و جمع به کار می‌رود و هم‌چنین به آن‌که عداوت می‌کند به شخص و کسی که ضرر می‌رساند نیز دشمن گویند؛ معادل‌های عربی این واژه عبارت‌اند از: العدو، الخصم. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۱/۳).

در اصطلاح دشمن به کسی گفته می‌شود که بدی و زیان کس دیگر را بخواهد و کینه از او در دل داشته باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۲۸)

از نظر مقام معظم رهبری هرکس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است دشمن است. طمع ورزان، غارت‌گران، سودجویان، زران‌دوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می‌بینند، دشمن‌اند. البته در

رأس این‌ها دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده‌اند. آمریکا بیش از همه از تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم می‌بیند - آن‌ها جلوتر از همه‌اند - صهیونیست‌ها همین‌طور، کمپانی‌های بزرگ جهانی همین‌طور، بی‌بندوبارهای گوناگون در بخش‌های مختلف همین‌طور، کیسه دوخته‌های برای ثروت ملی همین‌طور. همه‌ی این‌ها دشمن‌اند. (پوفاضلی، ۱۳۹۱: ۲۹)

### ۳- سیاست خارجی

سیاست خارجی و معنای مورد نظر در پژوهش حاضر، عبارت است از: خط‌مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند. (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱)

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، سیاست خارجی و دستگاه اداره‌کننده سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است. نیمی به مسائل داخلی کشور رسیدگی می‌کند و نیمی رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. هر چه هم که دنیا از ارتباطات بیشتری و نزدیک‌تری برخوردار بشود، این نقش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۷) در حقیقت اصل سیاسی و زیربنای نظام ایران اصل نه شرقی نه غربی است این بدین معناست که سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرقی و نه غربی - نخواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷)

### اصول قرآنی حاکم بر روابط خارجی با تکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری

در جهان امروز سیاست خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که تأثیر مستقیمی بر تمام حوزه‌ها از جمله مسائل اقتصادی و فرهنگی کشورها دارد. توفیق در عرصه‌های سیاسی می‌تواند منجر به توفیق در عرصه‌ی اقتصادی و فرهنگی شود اما وابستگی، سستی و ضعف در این حیطة اثرات مخربی بر اقتصاد و فرهنگ کشورها دارد. بر این اساس مقام معظم رهبری به ترسیم خطوط کلی حرکت نظام در این خصوص

پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. در ادامه به بررسی برخی از این سیاست‌ها که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن‌ها اشاره شده است و تطبیق آن‌ها با آیات قرآن می‌پردازیم.

### ۱- پایبندی به ارزش‌ها

قرآن کریم، مقید بودن به ارزش‌ها را از صفات و ویژگی‌های مؤمنان برشمرده است. مشی پایبندی به ارزش‌ها با توجه به جاودانه بودن اخلاق، همواره بایسته است. بر این اساس از ویژگی‌های ایجابی در روابط خارجی مسأله پایبندی و التزام به ارزش‌ها همواره مورد تأکید منابع دینی بوده و سیره پیامبر ﷺ نیز مؤید همین معنا است. مقام معظم رهبری پایبندی مردم به ارزش‌های اسلام و انقلاب را به‌عنوان یک اصل مهم در سیاست و روابط خارجی می‌داند و به آن توصیه می‌کنند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، جهت‌گیری‌های اسلامی را خط درست دیپلماسی می‌دانند و می‌فرمایند:

«اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، موردتوجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.»

ایشان در دیدار با سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور می‌فرمایند:

«جمهوری اسلامی حرف نویی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزش‌های الهی. این دوتا باید باهم توأم بشوند و حرکت‌ها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ما است. ارزش‌های معنوی و ارزش‌های الهی، همراه با اراده‌ی مردم، نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است که از خود کلمه‌ی جمهوری اسلامی، هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، می‌توانید حرکت کنید. درزمینه‌ی همین محورهایی که گفتند -دیپلماسی



عمومی، دیپلماسی سایبری- تلاش و فعالیت با این نگاه و با این هدف صورت گیرد؛ و بدانید که پیش می‌رود. این‌که ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پای فشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرف‌ها را رفته‌رفته و به تدریج به مواضع خود نزدیک کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۸) مقام معظم رهبری دست کشیدن از این اصول را جایز نمی‌دانند و می‌فرمایند:

«در برخی دوره‌ها، بعضی افراد در عرصه دیپلماسی و غیر دیپلماسی، تصور می‌کردند پایبندی به ارزش‌ها اجازه و امکان موفقیت نخواهد داد اما تجربه نشان داد که هر قدر پایبندی به اصول و آرمان‌ها بیشتر باشد هیبت و احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد.» (نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۴۳)

مقام معظم رهبری در تبیین قرآنی این اصل می‌فرمایند:

در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزش‌ها را استقامت نام نهاده‌اند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود(۱۱)، آیه ۱۱۲)؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت(۴۱)، آیه ۳۰). (بیانات در

سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۴/۳/۹۵-، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=33259)

استقامت در مفهوم قرآنی آن، اصطلاحی برای بیان پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژی‌هاست. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۲/۱۱). علامه طبرسی استقامت را همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲/۱۳۷) آیت‌الله مکارم شیرازی در تعریف این واژه آورده است: «استقاموا از ماده استقامت به معنی ملازم طریق مستقیم بودن و ثبات بر خط صحیح است و بعضی از ارباب لغت نیز آن را به معنی "اعتدال" تفسیر کرده‌اند. همچنین تفسیر نمونه جمع میان این دو معنی را بعید ندانسته

است. «(تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ۲۰/۲۶۹) رهبر انقلاب نیز استقامت در راه درست را راه خدا می‌داند و بیان می‌دارند: «خدای متعال وعده قطعی کرده است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَاتَخْزُنُوا» (فصلت (۴۱)، آیه ۳۰)؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست. راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت را، انصاف، راه عبودیت. الهی راه برای انسان‌ها، راه برداری انسان‌ها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت‌های انسانی و در این راه پافشاری هم کرده است. با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آن‌ها نهراسیده است. ان شاء الله میوه‌های شیرین و دل‌نشین این ایستادگی را خدای متعال به او خواهد چشاند.» (بیانات در دیدار مردم گرمسار، ۸۵/۸/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3368>)

## ۲- حفظ استقلال

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، ده مرتبه واژه‌ی استقلال را به کار برده‌اند. ایشان در این بیانیه شعارهای جهانی انقلاب اسلامی از جمله استقلال را هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده ندانسته و این شعارها را غیرقابل افول می‌دانند. چنانکه فرموده‌اند:

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها.» (بیانیه گام

دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

استقلال نقطه مقابل وابستگی به بیگانگان و به معنای جدا بودن اقتدار و حاکمیت یک کشور از اقتدار کشورهای دیگر است. در بیانیه گام دوم نیز رهبر معظم انقلاب سه بار به موضوع وابستگی اشاره کرده در توصیه‌های رهبر انقلاب به جوانان در بیانیه گام دوم نیز به استقلال به عنوان یک سرفصل اساسی در کنار علم، عدالت و اخلاق، اشاره شده است:

«اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.»

از نظر مقام معظم رهبری استقلال سیاسی به معنای فریب نخوردن و بازی نکردن در زمین سیاسی دشمن و سلطه‌گران است. وی معتقد است ابزار دشمن در غلبه کردن بر کشورها گاه تهدید است و گاهی تطمیع و تملق؛ بدین معنا که گاه بازور و قدرت نظامی ملت‌ها را در راستای سیاست‌هایی که دارد همسو می‌کند و گاه با راه‌های به ظاهر مسالمت‌آمیزی چون دیپلماسی و مذاکره؛ بنابراین باید هوشیار بود که دشمن از هر راهی که وارد شد استقلال سیاسی کشور حفظ شود. (شاهبازپور، ۱۳۹۶: ۱۲۴/۳۶-۳۵)

ایشان درجایی دیگر در اهمیت استقلال سیاسی به این نکته اشاره دارند که استقلال سیاسی مقدمه‌ی دیگر وجوه استقلال از جمله استقلال اقتصادی و فرهنگی است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«کشورهایی که از لحاظ سیاسی وابسته هستند، قادر نخواهند بود و اصلاً انگیزه ندارند که آزادی و استقلال اقتصادی را به دست آورند.» (شاهبازپور، ۱۳۹۶: ۱۲۴/۳۶). قرآن کریم بر استقلال سیاسی مسلمانان تأکید می‌ورزد و ولی مسلمانان را خداوند می‌داند:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۴۰) «حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند که دلالت دارد بر این که حکم تنها برای خدای سبحان

است و نباید کسی را با او شریک دانست.»

خداوند در این آیه مردم را از عبادت غیر خداوند نهی می‌کند و امر می‌کند که در برابر هیچ فرمان غیر الهی، کرنش نکنید. زیرا فرمان دادن تنها حق خداوند است. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴/۲۰۹) عدم پذیرفتن فرمان دیگران همان استقلالی است که به آن سفارش شده است.

قرآن کریم، در مواردی که حکم و حکومت را برای غیر خداوند هم جایز دانسته است، این جواز نسبت به کسانی است که از طرف خداوند مشروعیت دارند مانند این آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»؛ (المائدة (۵)، آیه ۹۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید درحالی که محرمید شکار را مکشید و هر کس از شما عمداً آن را بکشد باید نظیر آن چه کشته است از چهارپایان کفاره‌ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای زشت کاری خود را بپشد خداوند از آن چه در گذشته واقع شده عفو کرده است و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است.» در این جا منظور از «مثل» همانندی در شکل و اندازه حیوان است به این معنی که مثلاً اگر کسی حیوان وحشی بزرگی را همانند شتر مرغ صید کند، باید کفاره آن را شتر انتخاب کند و یا اگر آهو صید کند باید گوسفند که تقریباً به اندازه آن است قربانی نماید و از آن جا که ممکن است مسئله همانندی برای بعضی موردشک و تردید واقع شود، قرآن در این زمینه دستور داده است که «باید این موضوع زیر نظر دو نفر از افراد مطلع و عادل انجام پذیرد.»؛ «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۷/۷۹). بنابراین در این آیه دو نفر عادل برای دادن حکم از سوی خدا مشروعیت دارند. آیه‌ای که درباره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»؛

(المائده (۵)، آیه ۴۸). در این آیه نیز خداوند پیامبر ﷺ را به عنوان داور معرفی می کند و به ایشان دستور می دهد که بر طبق آنچه بر او نازل شده است بین مردم داوری کند.

همچنین آیات دیگری که حکم را تنها از آن خدای سبحان می دانند و غیر او کسی را مستقل در آن نمی دانند و اگر هم کسی دارای چنین مقامی باشد، خدای سبحان بر او ارزانی داشته و او در مرتبه دوم است و از همین جهت است که خدای تعالی خود را «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» و «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» نامیده و فرموده: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (تین (۹۵)، آیه ۸) و نیز فرموده: «وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس (۱۰)، آیه ۱۰۹) و لازمه اصالت و استقلال و اولویت همین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۶/۷)

از این رو قرآن کریم برای قطع ریشه ولایت های غیر الهی، هرگونه امری که زمینه ساز سرپرستی باطل باشد را باطل می داند و خواهان قطع رابطه با کسانی است که از این ولایت خارج اند و کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بیانگر همین مبنا و اصل انقلابی گری است؛ کافران نه تنها خواهان استقلال مسلمانان و اعتلا و پیشرفت آنان در هیچ زمینه ای نیستند، بلکه وقوع چنین امری آنان را غمگین و افسرده خواهد ساخت و به طور طبیعی واکنش عملی آنان را در پی داشته و آن ها را برای مکر و حيله بر ضد جوامع اسلامی جهت عقب نگه داشتن آنان بر خواهد انگیخت، از این رو قرآن برای خنثی سازی مکر و کینه کافران، مؤمنان را به صبر و تقوا و ایستادگی فرامی خواند و آنان را از دوستی با کافران بر حذر می دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۳۸۷)

این اصل با قاعده نفی سبیل نیز مطابقت دارد. طبق این قاعده، اراده ی تشریعی و تکوینی خداوند بر آن است که راه نفوذ و سلطه ی کافران بر مسلمانان در هر شکل و از هر راهی مسدود شود، زیرا علو و عزت مسلمانان با سلطه و نفوذ بیگانه منافات دارد. از قاعده ی نفی سبیل، نفی هرگونه سلطه ی بیگانه و کافر بر مسلمان و حکومت اسلامی قابل استیفاءه است. (عباس واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۴۱)

### ۳- مقابله و ایستادگی در برابر استکبار

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم سه بار به واژه استکبار و پنج بار به واژه مستکبر اشاره داشته و تقابل اسلام و استکبار را پدیده جدید عصر معاصر دانسته و فرمودند:

«پس آنگاه ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مقام معظم رهبری در تعریف استکبار می‌فرمایند:

«معنای استکبار این است که دولت و قدرت و شخصی، با تکیه به زوری که دارد، راه را برای اعمال زور در هر جایی که بخواهد، بازبیند و به هرکسی و هر ملتی که اراده کرد، فشار و ضربت وارد کند و مال هر ملتی را که اراده کرد، از او بگیرد و در امور هر ملت و جمعیت و شخصی که مایل بود و اراده کرد، دخالت کند و خجالت هم نکشد.» (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۴۴۳)

ایشان به دلیل اصلی مبارزه با استکبار اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«باید توجه کنید، اولین احساسی که یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس دینی نیست؛ احساس غیرت ملی است؛ احساس هویت و احساس وجود است؛ چون استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه این‌ها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است؛ یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد... مقابله ملت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. وقتی ملت ما با این روحیه در مقابل

امریکا و دستگاه فاسدِ وابسته به امریکا ایستاد، یک پشتوانه عظیم از اعتقادات و ایمان دینی پشت سرش بود و همین هم توانست او را موفق کند و پیش ببرد. استکبار وارد هر کشوری می‌شود، سعی می‌کند آن کشور را تهی کند؛ یعنی تا هر جا بتواند، همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره می‌کند. (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان

( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>، ۷۸/۸/۱۲،

ایشان درباره عدم تبعیت از دشمن و استکبار می‌فرمایند:

«مسئله ایستادگی و حساسیت در برابر استکبار یکی از اصول اساسی سیاست ایران علی‌الخصوص سیاست خارجی است. طبعاً وقتی این حساسیت وجود داشته باشد، تبعیت از دشمن هم نخواهد بود. در تعبیر قرآنی این عدم تبعیت، «جهاد کبیر» نامیده شده است. «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِ جِهَادًا كَبِيرًا» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>، ۹۵/۳/۳

جهاد کبیر به معنی دوری از اطاعت کافر و خصمی است که در میدان مبارزه با او هستیم که در گفتار امام خامنه‌ای نیز تأکید بر این عدم تبعیت در میدان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت گرفته است. دایره این عدم تبعیت به قدری فراخ و گسترده است که حتی نسبت به نسخه‌های به ظاهر شفاف‌بخش سیاسی و اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط برخورد کرد. خب، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ «وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا\* وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ از آن‌ها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه‌ی کارداری، برنامه‌ی زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه‌ی اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید این‌ها همه آیات اول سوره‌ی احزاب است؛ پشت سرهم؛ اول «اتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ»؛ بعد «وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى

إِيكٍ مِنْ رَبِّكَ»؛ پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می آورند؛ «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»؛ در مقابل همه‌ی این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی و بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴۱: ۱۴/۲۹۷)

یکی از محورهای دعوت همه پیامبران الهی پرهیز از طاغوت است؛ قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (نحل، ۱۶)، آیه ۳۶) «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت [= فریب‌گر] پرهیزید.»

همچنین کفر به طاغوت پیش‌نیاز ایمان به خدا است که در قرآن به آن اشاره شده و می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ (البقره، ۲)، آیه ۲۵۶) «کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است.» در نگاه علامه طباطبایی این آیه با صراحت اعلام می‌دارد که شرط پیوستن به انقلاب توحیدی، کفر به طاغوت است و امکان ندارد که شخص و یا جامعه‌ای دل بسته به حکومت طاغوت باشد و یا حتی با طاغوت به مبارزه برنخیزد و در عین حال ادعای ایمان و مبارزه برای حاکمیت جبهه ایمان و اصلاح داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۵۲۶)

مؤید دیگری در همین موضوع، دستور مبارزه با طاغوت است که در این آیه به آن اشاره شده است. جایی که می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»؛ (نساء، ۴)، آیه ۷۶) «کسانی که ایمان آورده‌اند در راه



خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند پس با یاران شیطان بجهنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

تفسیر نمونه این آیه را به‌عنوان معیار تمایز مؤمن و غیر مؤمن دانسته و می‌نویسد: مشخص ساختن صفوف و اهداف مجاهدان، چنین می‌فرماید: «افراد باایمان در راه خدا و آنچه به سود بندگان خدا است پیکار می‌کنند، ولی افراد بی‌ایمان در راه طاغوت یعنی قدرت‌های ویرانگر؛ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ». طاغوت و قدرت‌های طغیان‌گر و ظالم هرچند به ظاهر بزرگ و قوی جلوه‌کنند، اما از درون، زبون و ناتوان‌اند، از ظاهر مجهز و آراسته آن‌ها نهراسید، زیرا درون آن‌ها خالی است و نقشه‌های آن‌ها همانند قدرت‌هایشان سست و ضعیف است، چون متکی به نیروی لایزال الهی نیست. بلکه متکی به نیروهای شیطانی می‌باشد. «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» دلیل این ضعف و ناتوانی روشن است، زیرا از یک سو افراد باایمان در مسیر اهداف و حقایقی گام برمی‌دارند که با قانون آفرینش هماهنگ و هم‌صدا است و رنگ ابدی و جاودانی دارد آن‌ها در راه آزاد ساختن انسان‌ها و از بین بردن مظاهر ظلم و ستم پیکار می‌کنند، درحالی‌که طرفداران طاغوت در مسیر استعمار و استثمار بشر و شهوات زودگذری که اثر آن ویرانی اجتماع و برخلاف قانون آفرینش است تلاش و کوشش می‌نمایند و از سوی دیگر افراد باایمان به اتکای نیروهای معنوی آرامشی دارند که پیروزی آن‌ها را تضمین می‌کند و به آن‌ها قوت می‌بخشد درحالی‌که افراد بی‌ایمان تکیه‌گاه محکمی ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴)

#### ۴- تعامل با دولت‌ها

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب شعارهای این انقلاب مانند: آزادی، استقلال و برابری را شعارهای جهانی می‌دانند که به یک نسل و یک جامعه محدود نیست. ایشان معتقدند انقلاب با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است و این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی

عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است. بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673) (content?id=41673)

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری درباره جهانی بودن انقلاب و اعتقاد به برابری و حمایت از مظلومان جهان بررسی مسئله تعامل با دولت‌ها ضروری است.

#### ۴-۱- دولت‌های اسلامی

مسئله‌ی وحدت مسلمین یکی از اصلی‌ترین موضوعات در اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری است. ایشان درباره اهمیت این مسئله می‌فرمایند:

«امروز مسلمانان به اخوت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ (حجرات ۴۹)، آیه ۱۰» در حقیقت مؤمنان باهم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید.» از همیشه جدی‌تر است. امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای از دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرقه و اختلاف است. (رجبی، ۱۳۹۸: ۶۶).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» که در آیات فوق آمده، یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است. روی این اصل مهم اسلامی مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند، هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب. در مراسم «حج» که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می‌شوند این علاقه و پیوند و همبستگی نزدیک کاملاً محسوس است و صحنه‌ای است از تحقق عینی این قانون مهم اسلامی. به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمان‌ها را به حکم یک خانواده می‌داند، و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب کرده، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴/ ۵۰۰)

مقام معظم رهبری مراد از وحدت میان مسلمانان را بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه‌ی کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند... منظور ما از اتحاد، تفاهم است؛ دولت‌های اسلامی؛ همدلی آن‌ها با یکدیگر و تحت تأثیر اغراض دشمنان قرار نگرفتن. این منطقه‌ی حساس خلیج فارس، منطقه‌ی حساس خاورمیانه، کل منطقه‌ی اسلامی که منطقه‌ی بسیار حساسی در جغرافیای عالم و جغرافیای سیاسی عالم است باید با یکدیگر تفاهم کنند؛ باهم باشند و همدل باشند. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۱۹۶)

از دیدگاه ایشان تلاش برای ایجاد وحدت و برادری باید جمعی باشد و با خواست یک کشور محقق نمی شود. ایشان در این باره می فرمایند:

«اقدام برای رسیدن به اتحاد باید جمعی باشد. قرآن می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳) «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن برای این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند اکتفا نمی کند؛ بلکه به ما می گوید اعتصام را در هیات اجماع انجام دهید، جمعاً همه باهم اعتصام کنید و این اتحاد یک واجب دیگر است.» (رجبی، ۱۳۹۸: ۶۷)

#### ۴-۲- دولت‌های غیر اسلامی

مقام معظم رهبری معتقدند حکومت اسلامی طرف دار انزوا نیست. طرف دار جدایی از ملت‌ها و دولت‌ها نیست. طرف دار کنار نشستن در مسائل بین‌الملل نیست. طرف دار حضور فعال و قاطع در زمینه‌ها و مسائل بین‌المللی است. (عارف خانی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

رابطه با دیگر کشورها به چه اروپایی و چه آسیایی و آفریقایی و چه کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی و چه غیر آن‌ها - تا آنجا که به تشخیص مسئولین، در جهت منافع و مصالح کشور

و ملت باشد، برای ما همیشه مطلوب، بلکه لازم بوده است و مسئولین دولتی موظف بوده و هستند، آن را هوشمندانه و پیگیر تأمین کنند؛ و آنان و همه‌ی ملت بدانند و می‌دانند که ایجاد این روابط و تحکیم آن، هیچ‌گونه خدشه‌ای به اصل «نه شرقی و نه غربی» وارد نمی‌سازد. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۱۷۸)

بر اساس آنچه بیان شد مقام معظم رهبری درباره روابط با دولت‌های غیر اسلامی قائل به روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیر محارب و مقابله در برابر نفوذ و سلطه دولت‌های محارب و سلطه‌جو است.

یکی از اصول سیاسی که در قرآن به آن اشاره شده است صلح است. تا جایی که امکان داشته باشد برای رفع خصومت و اختلافات بین‌المللی باید از توسل به خشونت جلوگیری کرد. ایجاد صلح و تلاش برای مصالحه و حکمیت، شیوه‌ی انسان دوستانه‌ای است که قرآن آن را به جای رفتارهای خشونت‌آمیز در حل اختلافات بنیان نهاده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا فإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرِي فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَوْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ (حجرات (۴۹)، آیه ۹) «و اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند، میان آن‌دورا اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آن‌ها را دادگراانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

بر اساس این آیه، اسلام جلوگیری از ظلم و ستم را هرچند به قیمت جنگ با ظالم تمام شود لازم شمرده و بهای اجرای عدالت را از خون مسلمانان نیز بالاتر دانسته است و این در صورتی است که مسئله از طرق مسالمت‌آمیز حل نشود. (مکارم شیرازی، ۱۶۷/۲۲)

## ۵- حمایت از مظلومان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، مقابله با زورگویان و پشتیبانی از

مستضعفان را از خصوصیات انقلاب اسلامی ایران در طول چهل سال گذشته دانسته و تداوم این موضوع را مورد تأکید قرار داده‌اند.

«این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایشان حضور ایران در کنار مظلومان جهان را نشانگر جوانمردی و مروت انقلابی نظام می‌داند و می‌فرماید:

«این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایشان همچنین می‌فرمایند:

«ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه‌ی ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم «أَنْصُرُ أَهْلَ الظُّلْمِ أَوْ مَظْلُومًا» - این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هرکسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۹۴/۲/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29736>)

بر اساس آموزه‌های قرآنی حمایت از مظلوم یکی از اصول سیاست خارجی است. خداوند در قرآن باحالتی از سرزنش و توبیخ نسبت به مسلمانان می‌فرماید:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»؛ (نساء (۴)، آیه ۷۵) «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.»

آیه درباره‌ی مسلمانانی است که زیر فشار و شکنجه‌ی مردم مکه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده‌اند، نکوهش می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰۸/۲) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«آیه این معنا را می‌دهد که چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین نمی‌جنگید و تحریکی دیگر است بر قتال، که با تعبیر استفهام انجام‌شده، استفهامی که به یاد شنونده می‌آورد که قتالشان قتال در راه خدا است و فراموش نکنند، که در چنین قتالی هدف زندگی سعیدشان تأمین می‌شود، چون در زندگی سعیده هیچ آرزو و هدفی جز رضوان خدا و هیچ سعادت‌ی پرمحتواتر از قرب به خدا نیست.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۰/۴) مقام معظم رهبری با استناد به این آیه می‌فرماید:

«این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانت را کف دست بگیر در میدان‌های خطر، برای این‌که مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است.»

(بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۹۳/۹/۶،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>)

درجایی دیگر با استناد به آیات قرآن و در تبیین مبنای قرآنی حمایت از مظلومان می‌فرماید: «ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین»؛ یعنی «شما موظفید آزادی دیگران را هم تأمین کنید، ولو با قتال.»

(بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>، ۱۳۹۱/۸/۲۳،

## ۶- عزت، حکمت و مصلحت

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق‌یافته یا در آستانه‌ی ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگران‌اند؛ پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گرو غیرقابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

از نظر مقام معظم رهبری معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. (بیانات در دیدار مسئولان،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>، ۶۸/۱۱/۹)

در منطق قرآن عزت واقعی متعلق به خدا و هر آن کس که در جبهه‌ی خدایی می‌باشد است. «يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ اللَّهُ الْعَزِيزُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (منافقون (۶۳)، آیه ۸) «می‌گویند: اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آن‌که عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آن جا بیرون خواهد کرد. ولی [عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند.]»

برخی آیات قرآن کریم اتکای مسلمانان به کافران و دولت‌های غیر اسلامی را برای دست‌یابی به عزت و شوکت دنیوی را عملی منافقانه و مستوجب عذاب دانسته و یادآور شده‌اند که عزت همه از آن خدا و رسول و مؤمنان است، در آیه آمده است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيبْتِغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ (نساء (۴)، آیه ۱۳۹) «به منافقان خبرده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است]، چراکه عزت، همه از آن خداست.»

بر اساس مفاد آیه تمام عزت‌ها مخصوص خداست چرا که سرچشمه عزت همواره «علم» و «قدرت» است و اینها که قدرتشان ناچیز و علمشان نیز همانند قدرتشان ناچیز است، کاری از دستشان ساخته نیست که بتوانند منشأ عزتی باشند. این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه تکیه گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزت‌ها است زیرا دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند و هر روز که منافع آنها اقتضاء کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند آن چنان که گوئی هرگز با هم آشنائی نداشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴/ ۲۳۸)

مقام معظم رهبری در باب معنای حکمت و مفهوم استفاد از آن می‌فرماید:



«حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. ارتباطات جهانی است، راه دارد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی میگویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد؟ نه اگر گفتیم ما باید حکیمانه کارکنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبدا غیر حکیمانه درآید؟» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>

اهتمام قرآن به لزوم بهره‌گیری از مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها برای بسط و گسترش تعالیم حق در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل ۱۶)، آیه ۱۲۵) به زبان آوردن کلام نیکو در مواجهه با غیرمسلمانان در آیه «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء ۱۷)، آیه ۵۳) و حصر جواز مجادله به قید «الْحَسَنُ» در آیه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت ۲۹)، آیه ۴۶) همگی حاکی نقش بنیادین حکمت و عقلانیت در عرصه تعاملات اجتماعی که می‌تواند شاهدهی بر لزوم به کارگیری اصل حکمت در عرصه تعامل با سایر دولت‌ها موردتوجه قرار گیرد. (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۰۸/۲)

در حقیقت کار ویژه و اصلی این حکمت، کارآمدی‌اش در مواجهه و تعامل با دیگران است؛ گویا حکمت ظرفیت بالایی در دارنده خود ایجاد می‌کند یا مهارت‌های ارتباطی خاصی به او می‌بخشد تا بتواند به بهترین و مفیدترین وجه با دیگران، به خصوص غیر همفکران و مخالفان و دشمنان، تعامل کند. (علیخانی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۵/۲۴)

مقام معظم رهبری همچنین درباره مفهوم مصلحت نیز چنین فرموده‌اند:

«مراد، مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود؛ نه گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه جانبه است: یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می‌شود. شما که مأمور وزارت خارجه هستید. بخصوص سفرا که در خارج هستند و در درجه‌ی دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند. کار و منش شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارتخانه‌ی دیگر متفاوت است. شما رسول و پیام‌آورید. از شما حدس زده می‌شود که در خارج چه خبر است. اگر شما در سفارتخانه، مسلمان زندگی کنید و همسر و فرزندان و کارمندان شما روش مسلمانی داشته باشند، فرق می‌کند با این که یک هم‌سطح و هم‌رتبه‌ی شما در وزارتخانه‌ی دیگر از وزارتخانه‌های ما، منش اسلامی داشته باشد. این جا اثرش چشمگیرتر است. اگر هم خدای نکرده روش عملی شما اندکی اختلال داشت، ضررش بیشتر است. پس از این جا رفتار مصلحت‌آمیز را شروع کنید. من نمی‌خواهم از برادرانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، توقع زهد و پارسایی مطلق بکنم؛ لیکن می‌خواهم اجمالاً عرض بکنم که در ظواهر زندگی، یک مقدار رعایت امساک لازم است. اگر کسی درآمد هم دارد، امکان استفاده هم دارد، جلوی بعضی از استفاده‌ها را با میل خود و به ابتکار و با اراده‌ی شخصی بگیرد. این، خیلی فایده دارد. هم برای وضع کلی انقلاب فایده‌ی عمومی دارد و هم فایده‌ی شخصی دارد؛ یعنی به شما نورانیت می‌دهد. این کار، با کار بنده‌ای که امکان فلان استفاده برایم نیست، فرق می‌کند. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۷۸)

مصلحت در لغت مخالف مفسده معنا شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۱۱۷) عقل و فطرت سلیم مراعات مصلحت را ضروری می‌داند؛ بنا بر تلازم حکم عقل و شرع (ما حکم به العقل، حکم به الشرع) رعایت مصلحت عمومی جامعه واجب است. همچنین با پذیرش ابتدای آموزه‌های دینی بر مصالح و مفاسد واقعی، مراعات مصالح عمومی جامعه مستلزم صیانت از اسلام در پرتو عمل به دستورات دینی است. (درگاهی، ۱۳۹۹: ۲/۱۱۱)

## نتیجه گیری

سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است. نیمی به مسائل داخلی کشور رسیدگی می کند و نیمی رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می کند. بر اساس تحلیل و تبیین های صورت گرفته از بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب ایشان ۶ اصل کلی برای سیاست خارجی در نظر گرفته اند.

مقام معظم رهبری معتقد است مهم ترین اصل در سیاست خارجی پایبندی به ارزش هاست. باید در عرصه سیاسی به ارزش های الهی و اسلامی پایبند بود. هرچه قدر میزان پایبندی به اصول بیشتر باشد هیبت و عظمت نظام نیز بیشتر می شود. خداوند برای این اصل از تعبیر استقامت استفاده کرده است. دیدگاه مقام معظم رهبری درباره ی مساله ی پایبندی به ارزش ها برگرفته از قرآن است.

دومین اصل در سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری اصل استقلال است. استقلال به معنای جلوگیری از نفوذ و سلطه ی بیگانگان می باشد. قرآن کریم در آیات مختلف ولایت را از آن خداوند می داند و در برخی موارد افرادی را به عنوان ولی معرفی می کند. بر اساس این آیات خداوند برای قطع ریشه ولایت های غیر الهی، هرگونه امری را که زمینه ساز سرپرستی باطل باشد باطل می داند و خواهان قطع رابطه با کسانی است که از این ولایت خارج اند. این همان استقلال سیاسی است که در کلام مقام معظم رهبری متبلور است.

این مقاله نشان می دهد که دیدگاه مقام معظم رهبری درباره ی مساله ی مبارزه با استبداد و استکبارمبتنی بر دریافت قرآنی است. از نظر ایشان استکبار به دنبال استضعاف و از بین بردن هویت ملی است. ایشان با استناد به آیات قرآن معتقدند خداوند ایستادگی و مقابله در برابر استکبار را جهاد نامیده است و به آن امر کرده است. بر اساس آیات قرآن پرهیز از طاغوت، محور دعوت همه ی انبیا بوده است و در برخی موارد آن را پیش نیاز ایمان می داند و در آیات زیادی مردم را به مبارزه با طاغوت امر کرده است.

قرآن کریم همه مسلمانان را برادر می‌داند و از آن‌ها می‌خواهد که وحدت داشته باشند و در تعامل با دیگر امت‌ها صلح کنند اما در عین حال مانع نفوذ کشورهای سلطه‌گر شوند و در برابر تجاوزات آن‌ها ایستادگی کند. مقام معظم رهبری نیز مخالف انزوای کشور در جوامع بین‌المللی هستند و به دنبال تعامل سازنده با دیگر کشورهای غیر محارب هستند اما معتقدند اگر کشوری به دنبال دشمنی و سلطه بود باید در برابر آن ایستادگی کرد.

در بسیاری از آیات قرآن حمایت از مظلومان به عنوان یک ضرورت در جوامع دینی بر شمرده شده است و در برخی آیات مسلمانان را به خاطر عدم حمایت از مظلومان سرزنش می‌کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز حمایت از مظلومان یک اصل مهم و ضروری در سیاست خارجی ما است. از نظر ایشان از سفارشات اسلام حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم است و ما هر مقدار که در توان داشته باشیم باید از مظلوم دفاع کنیم.

از دیدگاه مقام معظم رهبری اصل عزت، حکمت و مصلحت سه زاویه‌ی یک مثلث در روابط خارجی هستند و تمام برنامه‌های سیاست خارجی در جهت حفظ عزت مسلمین با رعایت حکمت و مصلحت باشد. قرآن کریم نیز عزت را مخصوص خداوند و کسانی که در راه خدا هستند می‌داند و مؤمنان را از کسب عزت با تکیه بر کفار منع می‌کند و این عمل را مستوجب عذاب می‌داند البته در این عرصه باید بر اساس حکمت و مصلحت مسلمین عمل کرد. این اصل نیز با آیات قرآن تطابق دارد.

بر اساس آنچه بیان شد تمام شاخص‌های سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری با آیات قرآن تطبیق دارند و در هیچ‌یک از این شاخص‌ها از دستورات قرآن عدول نکرده‌اند.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، ۱۴۲۰، التحرير والتنوير، بيروت، ج ۱۱، ج ۲، مؤسسه التاريخ العربی.
۲. پورفاضلی، سید امیر، ۱۳۹۱، دشمن شناسی، ج ۱، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت.
۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۶۹، معارف و معاریف، قم، ج ۵، چاپ ۱، انتشارات اسماعیلیان.
۵. درگاهی، مهدی، ۱۳۹۹، حکومت اسلامی، مبانی فقهی عزت، حکمت و مصلحت در تعاملات اجتماعی، شماره دوم.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، ج ۳، دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۹، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: سید غلامرضا خسروی، تهران، ج ۲، چاپ ۱، انتشارات مرتضوی.
۸. رجبی، هادی، ۱۳۹۸، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۴۱، تفسیر قرآن مهر، قم، ج ۱۴، چاپ ۲، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. سیاه‌پوش، امیر، ۱۳۹۸، سیاست خارجی انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ج ۱.
۱۱. شاهبازپور، حسین، ۱۳۹۶، «شاخص‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) و امام خامنه‌ای، شماره ۱۲۴.
۱۲. شفیعی، احمد، ۱۳۸۵، مجله حصون، شماره ۷.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم، ج ۳ و ۴ و ۷، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۱۲، چاپ ۳، ناصر خسرو.
۱۵. عارف خانی، احمد، ۱۳۸۷، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، چ ۱، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۸، سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴، حکمت و حکمت سیاسی در قرآن و حدیث.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چ ۱، انتشارات راه رشد.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، بیروت، ج ۳، الاعلمی المطبوعات.
۱۹. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، درس‌هایی از قرآن، تهران، ج ۴، مرکز فرهنگی.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، موسوعة الامام علی علیه السلام، ج ۴، دارالحدیث.
۲۱. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۶، انقلاب اسلامی، انتشارات سمت.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۵، ترجمه النجمد، مترجم: احمد یاح، تهران، چاپ ۶، منفرد.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ معین، تهران، ج ۲، چ ۲، کتاب راه نو.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، تهران، ج ۴ و ۵ و ۲ و ۳، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. منصوری، جواد، ۱۳۶۵، راهبردهای سیاست خارجی، چ ۳، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۷. نوش آبادی، حسین، ۱۳۹۶، دیپلماسی و نشه راه بین الملل، چ ۲، انتشارات مجد.
۲۸. واعظی دهنوی، عباس، ۱۳۹۱، مبانی سیاست خارجی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، ۱۴۷ جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان.
۲۹. بیانیه گام دوم انقلاب
۳۰. سایت رهبری <http://farsi.khamenei.ir>